

پژوهش‌نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

No. 34, Spring & Summer 2024

صص ۱۲۳-۱۵۶ (مقاله پژوهشی)

بعد حريم خصوصی از منظر نهج البلاغه با تأکید به شرح‌های پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام و مصباح السالکین

مهدیه اسماعیلی^۱، حمید حمیدیان^۲، احمد زارع زردینی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱)

چکیده

حریم خصوصی به عنوان یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های حقوق بشر همواره در جوامع و مکاتب گوناگون، از جایگاه ویژه و بسزایی برخوردار بوده است؛ لکن علی‌رغم نقش پررنگ آن در زندگی افراد و پیشینه‌ای که از آن برخوردار است، هنوز بر سر تعریف مشخصی از آن توافق نشده است. حضرت علی علیه السلام در سخنان گوهربار خود در کتاب نهج‌البلاغه، این حق را در قالب حمایت از حقوق دیگر به رسمیت شناخته و تقض آن توسط دیگری را بر نمی‌تابند. در این پژوهش با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی، مفاهیم مرتبه با حمایت حضرت علی علیه السلام از حریم خصوصی، از نهج‌البلاغه استخراج گردیده و در سه حوزه‌ی جداگانه مربوط به اموال، جسم و جان و روح و روان و با نیمنگاهی به شرح پیام امیرالمؤمنین آیت‌الله مکارم شیرازی و مصباح السالکین ابن میثم مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان اهمیت بی‌بدیل ایشان نسبت به حفظ این حق، نمود عینی یافته است.

کلید واژه‌ها: امام علی علیه السلام، نهج‌البلاغه، حریم خصوصی، تفسیر کاربردی، مصباح السالکین، شرح پیام امام.

۱. دانشجوی دکترای علوم و معارف نهج‌البلاغه، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مبید، مبید، ایران، m.esmaili1991@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مبید، مبید، ایران. (نویسنده مسئول)، hamidiyan@meybod.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مبید، مبید، ایران، zarezardini@meybod.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

حریم خصوصی یکی از مفاهیم مهم حقوق بشر در حوزه روابط اجتماعی افراد به حساب می‌آید. این مفهوم با حفظ کرامت انسانی ارتباط مستقیم دارد. به عبارتی دیگر، حفظ حریم خصوصی نمادی از حفظ شان و شخصیت و کرامت افراد است. علی‌رغم اهمیت و افراین حق، لکن مفهوم حریم خصوصی از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی و حقوق، در تعریف و تعیین ابعاد و حدود آن به مشکل برخورند و همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است. اگرچه به نظر می‌رسد حریم خصوصی انگاره‌ای است که به صورت ملموس و غیریزی در وجود هر فرد وجود دارد و هر کس به طور بداعه تعریف آن را می‌داند، لکن با توجه به پیوندی که با انسان و فرهنگ و دین و به طور کلی با ارزش‌های جامعه دارد و نیز بر اساس ایدئولوژی نظریه‌پردازان و سطح دیدگاه‌های آن‌ها، از تعریفی نسبی و سیال برخوردار است. به هر حال، با توجه به اهمیت ویژه‌ی این موضوع، در تمام کشورها، قوانینی جهت حفاظت از حریم خصوصی افراد، تصویب گردیده است. از جمله آن‌که اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصونیت از تعرض به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را مورد تأکید قرار می‌دهد. لکن قرن‌ها پیش‌تر از تصویب تمام قوانین حقوقی حفظ حریم خصوصی، دین مبین اسلام، دفاع بی‌چون و چراً این حق بوده است. آیات فراوان از قرآن کریم در این زمینه و نیز روایات بی‌شمار به جا مانده از رسول الله ﷺ و نیز ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، شاهد مثال اثبات این مسئله هستند. کتاب بی‌بدیل نهج البلاغه که حاوی بیانات امیرالمؤمنین است، در این بین، جایگاه ویژه‌ای داشته و محتوای آن از همان ابتدای تالیف توسط سید رضی، مورد امعان نظر محققان قرار گرفته است؛ اگرچه مباحث مرتبه با حریم خصوصی، آنچنان که باید و شاید، مورد تدقیق قرار نگرفته و اثر مستقلی در این زمینه چاپ نگردیده است. بنابراین اثر پیش رو در صدد

جبران این نقیصه است. این مقاله در صدد پاسخگویی به سوالات ذیل است:

- ۱) آیا در نهج‌البلاغه، به موضوع حق حریم خصوصی و حمایت از آن اشاره شده است؟
- ۲) با فرض مثبت بودن جواب سوال فوق، حمایت از حریم خصوصی افراد، به چه شکل و در چه حوزه‌هایی صورت پذیرفته است؟
- ۳) موضوع مورد نظر در شروح پیام امیرالمؤمنین علیه السلام آیت الله مکارم شیرازی و مصباح‌السالکین ابن‌میثم بحرانی چه نمودی دارد؟

۱-۱. پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با مباحث حریم خصوصی و فضای مجازی و ارتباط این‌ها با هم و با اسلام و نهج‌البلاغه، تا کنون کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی به چاپ رسیده است: در پایان نامه‌ای تحت عنوان «حریم خصوصی فرد و عوامل نقض آن از دیدگاه قرآن و روایات» (۱۳۹۳)، اثر رحمانی خانقاھی، موضوع تضمین حریم خصوصی در حقوق شهروندی، از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه بیان و تحلیل شده است. انصاری مؤلف مقاله‌ی «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران» (۱۳۸۳)، بر این باور است که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی است و مقوله‌های مختلف این حق با مبانی مستحکمی مورد حمایت قرار گرفته است؛ با این وجود، در تدوین قوانین و مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی، اهمیت این حق آنچنان‌که باید درک نشده است.

محمد اسحاق مسعودی (۱۳۹۶)، کتابی به نام «حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه» را به رشتہ تحریر درآورده است. وی به مباحثی همچون محدوده و حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، مبانی نظری نگاه اسلامی و غربی در حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، تبیین چگونگی تعامل بین دو حوزه‌ی حریم خصوصی و نظارت اجتماعی و شیوه‌های نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته و بر

اساس روایات، حریم خصوصی را از سه بعد (جسمی-روحی-مالی) بررسی نموده است. در سه اثر فوق، نامی از فضای مجازی به میان نیامده است.

مریم صانع پور، نگارنده کتاب «اخلاق شهروندان دنیای مجازی، با تمرکز بر قرآن و نهج البلاغه» (۱۳۹۶)، معتقد است اسلام به عنوان یک آینین جهانی، با مجموعه‌ای از مشترکات اخلاقی مبتنی بر فطرت انسان، امکان ارتباطات اخلاقی را برای انسان‌ها و جوامع مختلف فراهم می‌کند. منظور نگارنده از آموزه‌های اخلاقی که عموم مردم را مخاطب قرار داده، همان آموزه‌های عقلی اخلاق ارشادی است که به علت ابتنا بر عقل مشترک، قابل توجیه برای همه آحاد مردم و مورد پذیرش ایشان است. بنابراین با استفاده از آموزه‌های اخلاق ارتباطی قرآن و حدیث، می‌توان منظومه‌ای اخلاقی مبتنی بر مشترکات انسانی طراحی کرد که پاسخگوی دغدغه‌های جامعه‌ی جهانی در عصر ارتباطات باشد. این اثر، راهکار اخلاقی را به عنوان راهکاری کلی و همه‌پسند، برای حل مشکلات فضای مجازی مطرح نموده و به راهکارهایی برای حل معضل نقض حریم خصوصی در فضای سایبر اشاره نشده است.

انصاری مؤلف مقاله‌ی «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران» (۱۳۸۳)، بر این باور است که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظامهای حقوقی است و مقوله‌های مختلف این حق با مبانی مستحکمی مورد حمایت قرار گرفته است؛ با این وجود، در تدوین قوانین و مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی، اهمیت این حق آنچنان که باید درک نشده و حمایت‌های لازم از آن صورت نگرفته است.

«اهمیت حریم خصوصی در فقه اسلامی» عنوان مقاله‌ای از غلامعلی‌پور است. محقق در این مقاله به مسئله‌ی حریم خصوصی که از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق بشر است اشاره و از آن حمایت می‌نماید. وی در یک تقسیم‌بندی کلی حریم خصوصی را به حریم مادی مشتمل بر حریم مکانی، جسمانی و اموال و حریم معنوی شامل حریم اطلاعات، ارتباطات و حیثیت اجتماعی تقسیم می‌کند.

خواجہ پیری (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «قلمو حريم خصوصی در اسلام» همان‌گونه که از عنوان مقاله پیداست، به بررسی قلمرو حريم خصوصی در اسلام پرداخته است. «ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حريم خصوصی» عنوان مقاله‌ای از درگاهزاده و دیگران (۱۳۹۶) است. در این مقاله، مستندات حمایت از حقوق حريم خصوصی و نیز موارد مجاز ورود به آن در آموزه‌های اسلامی گزارش و بررسی شده‌اند.

نگارنده‌ی پایان‌نامه‌ی «بررسی فقهی و حقوقی حريم خصوصی و ورود به آن» از صدیق میرزاپی (۱۳۹۱) جهت تأمین اهداف این پژوهش، با بهره‌گیری از منابع معتبر اسلامی، فقهی و حدیثی، مواردی از جمله ادله‌ی فقهی ممنوعیت نقض حريم خصوصی، ماهیت حريم خصوصی، ممنوعیت تجسس و... را مورد مدافعت قرار داده و در پایان حريم خصوصی را در ایران و سایر کشورها بررسی نموده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هیچ‌یک از آثار فوق به صورت ویژه، متن نهج‌البلاغه و شروح مرتبط با آن را جهت استخراج مفاهیم مرتبط با حريم خصوصی، مورد تدقیق قرار نداده‌اند. پژوهش حاضر در صدد انجام این مهم است.

۲- مفهوم حريم خصوصی

برخی همچون دانیل جی سولو^۱ حريم خصوصی را مفهومی تعریف ناپذیر و مبهم می‌دانند (Solove, 1-12). گروهی دیگر از جمله ساموئل وارن^۲ و لوئیس دی براندیس^۳ حريم خصوصی را حق تنها بودن دانسته‌اند (Warren and Brandeis). ویلیام پروسز^۴، حق حريم خصوصی را به صورت چهار شبه جرم «مزاحمت، افشاگری، نمای دروغین، تصاحب» تعریف کرده است (Prosser, 389). دیگری حريم خصوصی را قلمرویی از زندگی افراد می‌داند که ابداً تمايل ندارند که دیگران بدون اجازه آن‌ها وارد این قلمرو شده

1. Daniel J. Solove

2. samuel warren, 1852- 1910.

3. louis D brandeis, 1856- 1941.

4. William Prosser, 1972- 1898.

یا از آن آگاهی یابند (کارل، ۱۳۷۰: ۴۲). در واقع حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً عرفایا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند و یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، ۲۳۲). کمیته کالکات انگلستان^۱، حق حریم خصوصی را «حق افراد برای حمایت شدن در مقابل ورود بدون اجازه به امور زندگی و خانواده‌هایشان با ابزار مستقیم فیزیکی یا به وسیله‌ی نشر اطلاعات» دانسته است. به این حق در ماده‌ی ۱۲ اعلامی حقوق بشر نیز اشاره شده است: «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ‌کس دخالتی صورت گیرد» (ثروتی و مومنی ازندريانی).

شورای اروپا نیز در قطعنامه‌ای حریم خصوصی را این چنین تبیین کرده است: «حق حریم خصوصی به زندگی خصوصی، خانوادگی و مسکن، تمامیت جسمی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، اجتناب از این‌که چهره‌ی کاذب از فرد ساخته شود، افشا نکردن وقایع و حقایق نامربوط و آزاردهنده، عدم افشاءی غیرمجاز تصاویر خصوصی، حمایت از عدم افشاء اطلاعاتی که بر اثر اعتماد اشخاص وصول کرده‌اند یا در اختیار آن‌ها قرار گرفته است، مربوط می‌شود» (انصاری، ۱۹). در اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز جان، مال و حیثیت انسان‌ها به عنوان حریم خصوصی شان مورد حمایت قرار گرفته است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند.».

تعریف ذیل از حریم خصوصی، تعریفی جامع و شامل و برآیند تمام تعاریف این حریم است و مفاهیم مطروحه از حریم خصوصی در پژوهش حاضر، بر مبنای این تعریف خواهند بود: «حریم خصوصی عبارت از قلمرو و محدوده‌ای از زندگی است که فرد در آن از امنیت و احترام و کرامت انسانی در ابعاد جسمی، مالی و حیثیتی بر اساس شرع و قانون

1. culcutt committee

برخوردار باشد و بتواند از حق سلطنه خود در این حوزه‌ها بپردازد و از تعرض دیگران مصون باشد» (مسعودی، ۵۶).

۱-۲. حريم خصوصی در اسلام

آنچه از غور در متون دینی و منابع فقهی از جمله قرآن کریم نهج البلاغه به دست آمده این است که علی‌رغم اشارات مستقیم و جزئی‌نگرانه به مفاهیم حريم خصوصی، لکن از این اصطلاح نامی به میان نیامده است؛ اگرچه به جرأت می‌توان گفت که در نظام حقوقی اسلام، به اندازه‌ای به مفاهیم مرتبط با حفظ حريم افراد اشاره شده که در هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی دنیا، چنین اشاراتی وجود ندارد. مسئله‌ی تجسس که یکی از مصادیق بارز شکستن حريم خصوصی افراد است، به طور مستقیم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی حجرات به آن اشاره شده است. هم‌چنین مفاهیم استینناس (النور، ۲۷) و استیدان (النور، ۲۸) مطروحه در قرآن نیز ناظر به عدم نقض حريم خصوصی دیگران هستند. موارد متعددی از لزوم حفظ حريم دیگران در روایات شیعه مشهود است. از جمله آنکه از رسول اکرم نقل شده که «درباره‌ی لغش‌های مومنین تجسس نکنید، زیرا هر کس لغش‌های برادران مومن خود را بی‌جویی کند، خداوند لغش‌های خود او را بی‌جویی نموده، او را بی‌آبرو خواهد کرد» (کلینی، ۳۵۵/۵). در حدیثی از امام صادق آمده که اگر کسی به سخن گروهی بدون رضایت آنان گوش دهد، در روز قیامت در دو گوش وی سرب داغ ریخته می‌شود (عروسوی حویزی، ۹۳/۵). امیرالمؤمنین نیز عظیم‌ترین گناهان را خوردن به ناحق و تجاوز به مال یک مسلمان می‌دانند (حرانی، ۲۱۶/۱). در روایتی مشهور از رسول خدا تقسیم جامعی از محدوده حريم خصوصی صورت گرفته است: «الْمُسْلِمُ حَرَامٌ كُلُّهُ مَالُهُ وَ دَمَهُ وَ عِرْضُهُ»؛ (مسلمان از هر جهت حرمت دارد؛ مالش، خونش و آبرویش) (محقق حلی، ۱/۳۰۷).

از مجموع این احادیث چنین بر می‌آید که دین اسلام، نه تنها افراد را مجاز به نقض حريم خصوصی مسلمانان و حتی غیر مسلمانان نمی‌داند، بلکه به شدت از این کار نهی نموده و عواقب دنیوی و اخروی این رذیله را متذکر می‌شود.

۲-۲. حریم خصوصی در نهج البلاغه

امام علی ع در خطابه ای در نخستین روزهای پس از خلافتشان، خطاب به مردم فرمودند که (هر کس از شما بتواند خدا را در حالی ملاقات کند که دستش از خون و اموال مسلمانان پاک، و زبانش از عرض و آبروی مردم سالم ماند، باید چنین کند) (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۷۶). به یقین چنین کسی از تقوای فراوانی برخوردار است؛ چه تقوایی از این بالاتر که اذیت انسان به هیچ کس نرسد و اصول سه گانه‌ی احترام انسان‌ها را رعایت کند: احترام جان و مال و آبرو. این موضوع به قدری مهم است که رعایت آن، نشانه‌ی مسلمان بودن و ترک آن دلیل بر بیگانگی از اسلام است (مکارم و همکاران: ۵۷۹/۶). امام در این بیان دستور می‌دهند که مردم بکوشند خداوند را با حالتی که او ذکر می‌کند دیدار کنند. یعنی دستشان به خون مسلمانان آلوه نباشد و دست تعدی به اموال مسلمانان دراز نکرده باشند. دیگر این که زبان تعرّض به حیثیت مسلمانان نگشوده باشند و مراد از این غیبت و ناسزاگوبی است (بحرانی، ۶۵۹/۳).

نامه‌ی شصتم، از جانب حضرت به فرماندارانی ارسال شده که لشکر اسلام از شهرهایشان عبور می‌کند. عدم تعدی به حریم خصوصی افراد در زمینه‌ی مال و جسم، به وضوح به چشم می‌آید. ایشان «بر آزار نرساندن به دیگران و پرهیز از هرگونه شرارتی» تاکید نموده و با اعلام صریح بیزاری از آزار رساندن سپاهیان به مردم، آن‌ها را از این عمل نهی کرده و خواستار کیفر افراد مستمکار و متعرض به حقوق مردم می‌شوند.

بر اساس آن‌چه که از کلام امام علی ع به دست آمده، گسترده‌ی حریم خصوصی از سه بعد اموال و دارایی‌ها، جسم و جان و روح و مطابق شروح نامبرده مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۱. مستندات حریم خصوصی مرتبط با اموال در نهج البلاغه

مال و مالکیت افراد از بنیان‌های اصلی جوامع به حساب می‌آید. «در لغت به هر آن چه

که شایسته مالکیت درآمدن و حیاگذاری باشد، مال گویند؛ به عبارت دیگر هر عین یا منفعتی را که انسان در عمل مالک شود به آن مال گویند» (طاهری و انصاری، ۱۴۴۵). گفته شده که مال چیزی است که ارزش دارد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگری داده می شود و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته باشد (امامی، ۲۶). مطابق دیدگاه شهید ثانی در لمعه، هر چیزی که دارای منفعت باشد مال به شمار می آید (شهید ثانی، ۱۲۴/۳). با این تعاریف می توان گفت که اهمیت دارایی ها، مسئله ای است که در سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه وجود دارد و به کرات و در مناسباتی گوناگون به آن پرداخته شده است. به طور نمونه، اتفاق و کمک به مستمندان از اهم موضوعاتی است که در قرآن و روایات علی الخصوص اخ القرآن، بر آن تأکید فراوان شده است. بدینهی است که اگر اصالت تعلق اموال به افراد به رسمیت شناخته نشود، تشویق انسان ها به اتفاق اموال شخصی خود کاری عبث خواهد بود. ایشان مال را متعلق به صاحب آن دانسته و لذا افراد را تشویق می کنند که به هنگام تنگdestی با دادن صدقه با خدا تجارت کنند (سیدرضی، حکمت ۲۵۸). مستندات حريم خصوصی مرتبط با اموال، ذیل دو عنوان «تعلق اموال به صاحبان آن» و «تبیح و عدم جواز مال نامشروع (عدم تعرض به اموال غیر)» مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۱. تعلق اموال به صاحبان آن

فردی که از لحاظ شرعی و حقوقی صاحب مال محسوب می شود، مجاز است به نحو دلخواه از اموال خود بهره برداری نماید. در بیانات حضرت علی علیه السلام به این موضوع پرداخته شده است و ایشان اموال شخصی را که حريم خصوصی آن ها حساب می شود و هیچ فردی تعرض به این حق را جائز نمی شمارد - فقط متعلق به افراد دانسته و به آن اصالت می بخشند.

۲-۱-۱-۱. اشاره مطلق به شخصی بودن اموال

نامهی ۲۴ در بردارندهی وصیت اقتصادی حضرت نسبت به اموال شخصی ایشان است و

به زیبایی و وضوح، مال، جزء حريم شخصی افراد دانسته شده که می‌توان آن را در راهی که مورد پسند است، به مصرف رساند. مولف شرح پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز مصباح السالکین، این نامه را وقف‌نامه دانسته‌اند (مکارم و همکاران، ۹/۲۸۱؛ بحرانی: ۷۰۵/۴). حضرت سرپرستی اموال شخصی خویش را به فرزند ارشدشان می‌سپارند که آن‌گونه که رواست، آن را مصرف نموده و از آن انفاق کند. از جمله‌ی «وَيُنْفِقُ مِنْهُ بِالْمَعْرُوفِ» به خوبی استفاده می‌شود که این موقوفه جنبه‌ی خاص و عام داشته؛ بخشی از آن متعلق به فرزندان آن حضرت و بخشی دیگر به همه نیازمندان و مؤمنان اختصاص پیدا کرده است (مکارم و همکاران، ۹/۲۸۵). نیز اشاره می‌کنند که اگر برای حسن حادثه‌ای رخ داد، حسین سرپرستی آن را پس از برادرش بر عهده گیرد. ایشان حتی در مورد سود حاصل از اموالشان نیز وصیت می‌کنند و از فرزندانشان می‌خواهند که اصل مال را حفظ کرده و از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند. آن‌چه را امام در اینجا بیان فرموده قاعده‌ای کلی در همه موقوفه‌های است که باید اصل آن مال سالم بماند و تنها درآمدش در موارد وقف صرف شود (همان: ۲۸۸).

در حکمت ۳۳، امام اول شیعیان افراد را به بخشنده بودن و در عین حال، عدم بخشنده بی‌ضابطه و توام با زیاده‌روی توصیه می‌کنند. این توصیه‌های اقتصادی، گویای این است که احالت اموال شخصی افراد برای حضرت جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان با این عبارت در صدد رساندن این پیام به مخاطبان هستند که اگرچه اموال شما، متعلق به شماست؛ لکن در مصرف آن اعتدال ورزیده و دچار افراط و تفریط در بخشش نشوید (همان: ۱۲/۲۲۵). و این گویای آن است که ایشان، اموال افراد را متعلق به آن‌ها دانسته و تنها نسبت به چگونگی مصرف اموال شخصی، پندشان می‌دهند. در خطبه‌ی شانزدهم حضرت امیر علیه السلام در مجموعه‌ای از اندرزها نسبت به مردم، خطاب به آنان می‌فرماید که: «مردم درون خانه‌ی خویش جای گیرید» (سیدررضی، خطبه‌ی ۱۶) و در دسته‌بندی‌های منافقان و تفرقه‌اندازان شرکت نجویید (همان، ۱/۵۳۴). در اینجا نیز ایشان با آوردن لفظ «خانه‌ی خویش»،

تلویحا به این موضوع اشاره دارند که خانه ها و منازل افراد، حريم شخصی آنان است و برای همه شناخته شده بوده و کسی تجاوز به این حريم را پسندیده نمی داند.

۲-۱-۲-۲. ارث

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه به حفظ حريم خصوصی اموال تأکید دارند؛ ایشان در خطبهی ۱۳۲، ضمن یادآوری پایان عمر، از همگان می خواهند که مرگ که دیر یا زود گریبانشان را خواهد گرفت، فراموش نکنند. حضرت با نگاهی عبرت آموز به سرنوشت بی بدیل افراد و بی اهمیتی دنیا، فضای پس از مرگ افراد را به خوبی ترسیم می نمایند. آن جا که منزل آنها از کاخ های استوار، به گورستان مبدل گردیده و اموالی که به سختی جمع آوری کرده بودند، به وارثان رسید. در اینجا، حضرت ارشیه را به رسمیت شناخته و آن را از آن وراث می دانند. در واقع حريم خصوصی اموال فرد را حتی برای پس از مرگ او، تصدیق نموده و وارثان را از این پس، صاحب آن اموال می دانند.

نیز در خطبهی ۲۰۳، از مردم می خواهند که مقداری از ثروت خود را جلوتر بفرستند تا در نزد خدا باقی ماند و همه را برای وارثان مگذارند که پاسخ گویی آن بر آنها واجب است. منظور این است که انسان تا وقتی در قید حیات بوده و توانایی افزودن توشه را دارد، مقداری از اموال خود را در راه خدا و برای آخرتش صرف کند و همه را برای وراث باقی نگذارد (بحرانی، ۸/۴). در اینجا نیز تصدیق حريم خصوصی اموال توسط حضرت در متن نهفته است. در یک برداشت، امام، فرد را به انفاق اموالی که خود اندوخته و متعلق به خود اosten تشویق می نمایند و در برداشت دوم، مال را پس از مرگ فرد، متعلق به وارثان می داند و این همان تایید حقی است که افراد، در نگهداری و یا مصرف اموال خصوصی خود دارند.

۲-۱-۲-۳. توصیه به مأموران جمع آوری مالیات

در نامه‌ی ۲۵ که دستورالعمل حضرت علی به مأموران جمع آوری مالیات است، نکات

ارزشمندی از دستورات اسلام درمورد چگونگی برخورد با صاحبان اموال دیده می‌شود (مکاران و همکاران، ۹/۳۰۷). امام با دستوراتی، در کنار توصیه‌ی کارگزاران مالیات به عدم ارعاب و ترساندن مردم، از آنان می‌خواهد که چیزی فراتر از حقوق الهی از مردم اخذ نکنند و حریم خصوصی آنان را محترم شمارند؛ بدون اجازه‌ی مردم، به اموالشان دست درازی ننموده و فقط حقوق الهی در اموالشان را از آن‌ها دریافت کنند. هدف از این سفارشها و راهنماییها آن است که از مردم عزیزترین دستاوردهشان که مال و منالشان باشد گرفته شود، از این‌رو برای جلب رضایت آنان تا این تکلیف سخت را پذیرنده نیاز به نرمی و ملایمت و مهربانی بیشتر است. لذا امام ﷺ در این سخنان، کارگزارش را سفارش به انجام رفق و مدارا و آسان گرفتن کار، می‌فرماید تا دلهای صاحبان اموال را برای ادائی حقوق الهی جلب کند (بحرانی، ۷۱۲/۴). هم‌چنین در نامه‌ای دیگر، مضامینی مشابه آن‌چه گفته شد را به کارگزاران اخذ مالیات ابلاغ نموده و به آنان را مامور می‌نمایند که «برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و بردهی کاری آنان را نفوشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی - نمازگزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است - دست اندازی نکنید». (سیدرخی، نامه‌ی ۵۱)؛ و این‌چنین مأموران را از گرفتن ضروریات زندگی افراد بازداشت و احترام به حریم اقتصادی افراد را محترم می‌شمارند. این دستور یکی از احکام کامل‌انسانی اسلام است که اجازه نمی‌دهد حتی از بدھکاران، ضروریات زندگی آن‌ها را برای ادائی دین بستانتند؛ بلکه اگر مال دیگری دارد از آن باید بهره گرفت و اگر ندارد باید به او مهلت داد تا زمانی که قدرت بر ادائی دین خود پیدا کند (مکاران و همکاران، ۱۰/۳۳۶).

۲-۱-۲. تقبیح و عدم جواز مال نامشروع (عدم تعرض به اموال غیر)

بسیاری از مشکلات و کمبودهای جوامع ناشی از مال حرام و نامشروع است (نراقی، ۳۳۵) و به این مهم در آیات متعددی از قرآن و روایات معصومین پرداخته شده است.

راه های تحصیل مال نامشروع، که در بیانات امام علی علیه السلام به آنها اشاره گردیده، به شرح ذیل است:

۱-۲-۱-۲-۲. نکوهش اکل مال حرام

اوج توجه امام علی علیه السلام به حريم خصوصی اموال افراد در نامه‌ی سوم نهج البلاغه که از سوی ایشان خطاب به شریح بن حارث نگاشته شده ملاحظه می‌شود. آن‌جا که حضرت، وی را بابت خرید خانه‌ای عتاب می‌کند که اگر آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام خریده باشد، خانه‌ی دنیا و آخرت را از دست داده است: «فَإِنْظُرْ... لَا تَكُونُ أَبْعَثْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكٍ أَوْ نَقَدْتَ الشَّمْنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ؛ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ». در تفاوت میان جمله‌ی «منْ غَيْرِ مَالِكٍ» و جمله‌ی «منْ غَيْرِ حَلَالِكَ» با این‌که ظاهراً مضمون یکی است، ممکن است گفته شود که اولی اشاره به چیزی است که ظاهراً جزء اموال شخص نیست؛ مثلاً شریح خانه‌ای را که خریده قیمت آن را از بیت‌المال بردارد و پردازد، چیزی که ظاهراً واقعاً مال او نیست؛ اما «منْ غَيْرِ حَلَالِكَ» اشاره به اموالی است که ظاهراً مال اوست؛ ولی از طریق رشو و غیر آن به دست آمده که حلال نیست (مکارم و همکاران: ۴۵/۹ - ۴۶). به هر صورت، حضرت با یادآوری مرگ و فنا او را از این بیم می‌دهند که مباداً مال حرامی را به تو تعلق ندارد و مایمیلک فرد دیگری است را برخود رواداری و بدین ترتیب، حب دنیا را در دل خود جای داده و به سبب گناهانی که از حرام‌خواری گریبان‌گیرت می‌شود، متهم غصب الهی و خسaran دنیا و آخرت بشوی (بحرانی، ۵۸۴/۴).

ایشان در خطبه‌ی ۱۵۱، با پرهیز دادن مردم از خوردن لقمه‌ی حرام، که در واقع مالی است که متعلق به فرد نیست و به دیگری تعلق دارد، حق حريم شخصی افراد را تایید نموده می‌فرمایند: «لَا تُدْخِلُوا بُطْوَنَكُمْ لُعْقَ الْحَرَامِ»؛ (لقمه‌های حرام به شکم خود راه ندهید). منظور از «لعق الحرام» کالا یا چیزهایی است که انسان در دنیا از غیر طریق شرعی به

دست می آورد. امام با به کار بردن واژه «لعق»، پستی متاع دنیا را در مقایسه با لذّات و بهره‌های آخرت گوشزد فرموده و هشدار داده که واجب است از آنچه نهی کرده دست باز دارند (بحرانی، ۴۱۷/۳).

۲-۲-۱-۲. احتیاط در مصرف بیت المال

حضرت در خطبه‌ای که مشحون از مسائل مرتبط با عدالت اقتصادی است، به تساوی تقسیم بیت‌المال میان مردم اشاره دارند. امام در این خطبه، حق حریم خصوصی اموال افراد را تصدیق نموده و معتقدند که استفاده‌ی فرد از اموال فرد دیگر، ظلم است و ایشان از ستم به حقوق بندگان خدا بری هستند و هیچ مسلمانی را بر مسلمانان دیگر برتری نخواهد بخشید (خطبه‌ی ۱۲۶) و عدالت را فدای مقام نخواهد کرد (مکارم و همکاران: ۳۰۷/۵). مطابق این کلام، امتیازات فردی و قبیله‌ای از جمله صحابی رسول خدا بودن یا نسب خانوادگی، تاثیری در تقسیم بیت‌المال از جانب ایشان ندارد و هیچ کس نباید و نمی‌تواند با بهانه‌های واهی، دارنده‌ی مال دیگری باشد. چرا که این اموال، اموال خداست که آن را برای همه مساوی دانسته و اختیار آن را به آن‌ها سپرده است (خطبه‌ی ۱۲۶). از این خطبه به خوبی استفاده می‌شود که امیر مؤمنان اصرار داشته‌اند که بیت‌المال مسلمین همواره به طور مساوی در میان مسلمین تقسیم گردد و هیچ گونه امتیازی شریف بر وضعی و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و حتی سابقین در اسلام و حتی نیازمندان بر غیر آن‌ها نداشته باشند (مکارم و همکاران: ۳۱۱/۵).

حضرت علی علیہ السلام در طولانی‌ترین نامه‌ی نهج‌البلاغه به مالک اشتر، او را بیش از پیش به رعایت حقوق مادی و معنوی مردم دعوت کرده می‌فرمایند که حق را به صاحب حق، بيردار (نامه‌ی ۵۳)؛ یعنی بدون توجه به موقعیت افراد و خویشاوندی یا عدم خویشاوندی آن‌ها با تو، باید نگهبان حقوق مادی آن‌ها باشی و به معنای واقعی کلمه، به حریم خصوصی آن‌ها احترام بگذاری. با مطالعه‌ی عمیق تاریخ اسلام، ملاحظه می‌شود که

امیرالمؤمنین، نمونه‌ی بارز عمل به سخنان خود هستند. به گواه تاریخ، ایشان حاضر نشدند کمی بیشتر از حق مالی عقیل از بیت‌المال، به او بدنهند. چراکه در این صورت، در حق دیگری اجحاف می‌شد و با عنایت به توجه حضرت به حریم شخصی مال انسان‌ها، ایشان چنین مسئله‌ای را برنتایید و نوع برخورد ایشان با برادر بزرگترشان، به عنوان الگویی نمونه در طول تاریخ، رخ نمایی می‌کند (سیدرضی، خطبه‌ی ۲۲۴).

حضرت در نامه‌ای خطاب به زیاد ابن ابیه، وی را از تعرض به بیت‌المال بر حذر می‌دارند.

ظاهرا وی که از کارگزاران حضرت بوده، برای تقلیل خراج توطئه کرده بود (مکارم و همکاران، ۲۴۸/۹) که با چنین واکنشی از سوی امیر عدالت مواجه می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «به خدا سوکند، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانه و خوار و سرگردان شوی» (سیدرضی، نامه‌ی ۲۰). در واقع حضرت به او نسبت به این‌که بیت‌المال را که متعلق به آحاد مسلمین است، به لیست اموال خود اضافه کند، هشدار داده است.

۳-۲-۱-۲-۲. نکوهش غارت زیورآلات مسلمانان و غیرمسلمانان

امام علی علیه السلام در خطبه‌ی ۲۷ نهج‌البلاغه، کوفیان و نیروهای تحت امر خود را درباره‌ی حادثه‌ای عجیب که همان غارت زیورآلات زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان بود، مورد سرزنش قرار داده و عواقب تلخ و دردنگ ترک جهاد را یادآور می‌شوند. جدای از بی‌حرمتی که در این میان نسبت به زنان صورت گرفته، امام، بابت این مسئله که افرادی یاغی، در حکومت اسلامی، به حریم خصوصی دیگران وارد شده و آن را نقض کرده و اموال خصوصی آن‌ها را به غارت برده‌اند، اظهار تأسف و ناراحتی شدید نموده و مرگ از روی تاسف برای این حادثه‌ی منکر را سزاوار می‌دانند؛ چراکه سربازان و یاران آن حضرت نتوانستند مانع تعرض یاغیان و شورشیان تحت فرماندهی معاویه به حریم شخصی افراد- اعم از مسلمان و غیرمسلمان - شده و در انجام وظایف خود، ناموفق بودند و

پایمردی ننموده و نظاره‌گر این حوادث تلخ بودند.

گویی، خاک مرگ بر سر آنان پاشیده بودند که چنین ننگ آشکاری را برای خود پذیرفتند؛ هم اموالشان به یغما رفته و هم نوامیشان مورد تعرّض قرار گرفته و هم پناهندگانشان مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند. دشمن، بدون هیچ رادع و مانعی، به سرزمینشان حمله کرده و بدون کمترین ضایعات، با دست پُر، به خانه خود برگشته است! (مکارم و همکاران، ۱۵۲-۱۵۱/۲)؛ حال آن که اموال مسلمین و حتی اهل ذمه، بسیار محترم است و به هیچ عنوان نباید مورد تجاوز و تعدی قرار بگیرد. بیانات امام علی^{علیہ السلام} در این رابطه، از منظر حریم خصوصی، از دو جهت قابل بررسی و تحلیل است: اول آن که هر فرد باید حافظ حریم خود باشد (که در اینجا حریم اموال مدنظر است)؛ در غیر این صورت مطابق فرمایشات امام، چنین فردی خوار و حقیر می‌شود؛ و دوم آن که هیچ کسی حق تجاوز به حریم خصوصی اموال دیگری را ندارد. لازم به ذکر است که غارت به معنای چاول و به تاراج بردن اموال دیگران است و با غنیمت که پس از جنگ مستقیم با دشمن عاید مسلمانان می‌شود تفاوت دارد.

۲-۲-۲. مستندات حریم خصوصی مرتبط با جسم و جان در نهج البلاغه

حرمت جان انسان و حقّ حیات او، خط قرمزی است که در نهج البلاغه، بسیار بر رعایت حدود آن تاکید شده و موارد آن به صورت موجز در ذیل خواهد آمد:

۱-۲-۲-۲. اشاره‌هی مطلق به حرمت خون

امام علی^{علیہ السلام} در بخشی از عهدهنامه‌ی مالک، موضوع بسیار مهم حرمت خون انسان‌ها را مطرح نموده و با تعبیرات فراوان و مؤکد، وی را از این کار بر حذر می‌دارند. به یقین مالک کسی نبود که خون بی‌گناهی را بریزد، بلکه منظور از این سخن آن است که به هنگامی که فرمان قتل افراد مهدورالدم را صادر می‌کند، نهایت دقیقت را به خرج دهد که بی‌گناهی به

اشتباه کشته نشود (مکارم و همکاران: ۱۱ / ۱۲۲). ایشان پیامدهای نکبت بار خون ناحق را یادآور می‌شوند: نزدیک شدن کیفر الهی، بزرگی مجازات الهی، نابودی نعمت‌ها و زوال حکومت. از سوی دیگر، داوری خداوند نسبت به خون‌های به ناحق ریخته شده، پیش از داوری سایر اعمال صورت می‌گیرد (سیدررضی، نامه‌ی ۵۳). این نشان از اهمیت این موضوع دارد. سپس به مالک دستور موکد می‌دهند که مباداً پایه‌های حکومت خود را با ریختن خون افراد بی‌گناه تقویت نماید؛ چرا که «ذلِكَ مِمَّا يُضْعِفُهُ وَ يُوْهِنُهُ، بَلْ يُرِيْلُهُ وَ يَنْقُلُهُ»؛ این کار، از مصادیق قتل عمد بوده و زبان را نزد خداوند عادل قاصر نموده و تقاض آن، قصاص خواهد بود. هم‌چنین به او دستور می‌دهند که در صورتی که به غیر عمد، باعث قتل کسی شد، حتماً خون‌ها و دیه را به خانواده آن فرد پرداخت کند و در این بین، اسیر غرور قدرت و حکومت نشود (همان). امام علی علیه السلام در این مکتوبه، به خوبی به موضوع احترام به حریم خصوصی دیگران تاکید داشته و اهتمام بی‌بدیلی را نسبت به این مسئله قائل‌اند.

حضرت در قسمتی از نهج‌البلاغه به یکی از واجبات قطعی خداوند در قرآن که بر آن پاداش و کیفر می‌دهد اشاره می‌نمایند و آن این است که فردی خشم خویش را با کشتن انسانی بی‌گناه، فرونشاند. نکته قابل توجه این جاست که امام، ریختن خون فرد بی‌گناه را همتای شرک به خداوند آورده‌اند (سیدررضی، خطبه‌ی ۱۵۳). یعنی به حدی تعرض به حق حریم خصوصی جان افراد بالهمیت است، که حضرت این چنین نسبت به ترک آن واکنش نشان داده و آن را از اعمالی می‌دانند که اگر فرد از آن توبه نکند، هرچقدر که خود را به زحمت اندازد یا عملش را خالص گرداند، دیگر برایش فایده‌ای نداشته و مستوجب عذاب الهی خواهد شد. در واقع قتل بی‌گناهان سبب می‌شود قاتل بی‌ایمان از دنیا برود؛ چرا که خلود و جاودانگی مخصوص افراد بی‌ایمان است (مکارم و همکاران: ۶ / ۱۸۰).

امیر بیان در خطبه‌ی کوبنده‌ی قاصعه، فهرستی از مفاهیم اخلاقی والای انسانی را معرفی می‌نمایند. ایشان خطاب به مخاطبان خود این چنین بیان می‌دارند که اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده و کارهای نیک تعصب داشته باشید و چندین صفت

اخلاقی والا را برمی شمرند که یکی از آن‌ها، اعظام خونریزی و قتل نفس است (سیدرضا، خطبه‌ی ۱۹۲)؛ زیرا آدمکشی لازمه‌ی خصلت ناپسند ظلم است و بر آن وعده‌ی عذاب در آخرت داده شده است و برگشت این ویژگی نیز به فضیلت عدل است (بحرانی، ۴۹۷/۴). بدیهی است که این فرمایشات حضرت، برگرفته از مفاهیم عمیق قرآنی است که از زبان باب علم رسول الله رانده شده و اهتمام به انجام این فضائل اخلاقی از جمله اعظام قتل، جهانی زیبا و عاری از بدی را رقم خواهد زد.

۲-۲-۲. اعلام برائت از خون عثمان

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی علیه السلام خطاب به معاویه و سایرین به چشم می‌خورد، اعلام ایشان نسبت به بری بودن از خون عثمان است. حضرت در نامه‌ی ۵۵ نهج‌البلاغه خطاب به معاویه می‌فرمایند که (تو چیزی را از من درخواست می‌کنی که دست و زبانم هرگز به آن نیالود) و منظور ایشان همان قتل عثمان است. امیرالمؤمنین در تمام سال‌های خلافت سرتاسر تبعیض عثمان، به رغم مخالفت‌های شدید با اقدامات وی، دفاع‌هایی برای حفظ جان او کردند که مبادا دامنه‌ی فتنه، اسلام را فرآگیرد (مکارم و همکاران، ۸۲/۹). ایشان مخالف خلیفه‌کشی بوده و همواره نسبت به پیامدهای شوم آن هشدار می‌دادند. به طور قطع می‌توان گفت که حضرت همان‌طور که جان همه انسان‌ها را محترم می‌دانستند و تعرض به آن را امری نابخودونی تلقی می‌نمودند، نسبت به خون عثمان نیز چنین نظری داشتند و قائل به حرمت حریم خصوصی جان وی بودند. ابن میثم قتل عثمان را جنایتی می‌داند که امام، دست و زبان خود را از ارتکاب این جنایت پاک می‌دانستند (بحرانی، ۳۱۷/۵).

در نامه‌ی ششم حضرت در نامه‌ای خطاب به معاویه خود را نسبت به خون عثمان پاک‌ترین افراد می‌داند. پر واضح است که تلاش امام برای اثبات پاک بودن از دست داشتن در خون عثمان به جهت احترام ایشان به حق حریم خصوصی جان دیگران است. ایشان در

مکتوبه‌ای دیگر، معاویه و همدستان و همکیشان او را قاتلان عثمان - و در واقع ناقضان حریم جان و نفس عثمان - می‌داند (نامه‌ی ۱۰).

۲-۲-۳. انتقام خون

امام علی علیه السلام در سخنرانی پس از شنیدن کوتاهی کوفیان، به دنبال تهاجم یکی از افسران معاویه، مظلومانه زبان به شمات کوفیان گشودند که: (با شما نمی‌توان انتقام خونی را گرفت) (سیدررضی، خطبه‌ی ۳۹). یعنی خون انسان‌ها، بسیار ارزشمند است و اگر به ناحق توسط کسی ریخته شود، سزاوار مجازات و قصاص است؛ چرا که حقی است که تنها، متعلق به دارندگی آن است و به نوعی حریم خصوصی او محسوب می‌شود. ولی شما کوفیان، ناسزوواری و عدم یاری حق را به حد اعلیٰ رسانده و حتی قادر به حمایت از خون افراد، که حریم آن‌ها بوده و به آن تعددی شده، نیستید. ایشان در خطبه‌ی ۱۰۵ نیز به مسئله‌ی خون‌خواهی اشاره دارند. پروردگار، خود انتقام گیرنده و خونخواه خون هر بی‌گناهی است که خون‌خواهی ندارد و یا در انتقام‌گیری ضعیف است، و خون خاندان پیامبر و صحابیانی که خداوند خون آنان را در حمایت خود گرفته و تعددی به آن را حرام کرده، به منزله حق ثابت متعارفی برای خداوند است که آن را مطالبه خواهد کرد (بحرانی، ۳/۴۶).

حضرت علی علیه السلام در سخنانی پیش از شهادت خطاب به اهل بیشان، سخنان نایی را به عنوان وصیت، ارائه می‌کنند. ایشان به خوبی، مسئله‌ی حریم بودنِ جان و جسم را تبیین نموده و می‌فرمایند: «إِنْ أَبْقَ فَانَّا وَلَيْ دَمِي»؛ (اگر ماندم خود اختیار خون خویش را دارم) (سیدررضی، نامه‌ی ۲۳)؛ یعنی اگر شهادت نصیب من نشد و زنده ماندم، خودم مختار هستم که این ملجم را ببخشم یا قصاص کنم. چرا که جان، متعلق به من است و تصمیم برای عفو یا قصاص با من است؛ ولی اگر مزد زحمات و دلاوری‌های سال‌های رشادت و جهاد در رکاب رسول خدا و پس از شهادت ایشان، با شهادت داده شد و به دیدار رسول الله شتافتم و شما فرزندان ولی دم من شدید، قاتل را به همان شکلی که بر من زده قصاص کنید و فقط

یک ضربه به او بزنید (سیدرضی، نامه‌ی ۴۷). جالب این‌جاست که امام، عدالت را درباره‌ی قاتل خود حتی در کیفیت قصاص نیز توصیه می‌کنند که مبادا ناراحتی‌های شدید شیعیان، سبب غیرعادلانه قصاص شدن قاتل شود (مکارم و همکاران، ۱۰ / ۲۸۹).

۴-۲-۲-۴. عدم کشتن مجروحان جنگی و تسليم شدگان

توصیه‌های اخلاقی خطاب به جنگجویان پیش از جنگ، سرشار از نکات حفظ حریم خصوصی افراد، علی‌الخصوص حریم جان افراد است. ایشان خطاب به سربازان تحت امر خود این چنین توصیه می‌کنند که حتی در شرایط خاص جنگی نیز که شما پیروز و دشمن شکست خورده و به هزیمت رفته و برگ برنده با شمامت و توان خلاص کردن مجروحان جنگی و آزار اسرا را دارید، اصول اخلاقی و انسانی را رعایت کنید و متعرض جان افراد نشوید (سیدرضی، نامه‌ی ۱۴). زیرا هدف، در هم شکستن حرکت دشمن است، نه انتقام جویی و وارد کردن ضربت بر آنان با اصول جوانمردی و انسانی سازگار نیست (مکارم و همکاران، ۹ / ۱۸۳).

۵-۲-۲-۵. حرمت زنده به گور کردن دختران

امام علی علیه السلام در بخشی از خطبه‌ی قاصده، به موضوع زنده به گور کردن دختران در زمان جاهلیت اشاره می‌نماید و آن را جهالتی فraigیر می‌خوانند. این‌که چرا زنده به گور کردن دختران در زمان پیش از اسلام مورد توجه قرآن و به تبع آن قرآن ناطق یعنی حضرت علی علیه السلام قرار گرفته، نشان از اهمیت فراوان حرمت خون افراد در دین مبین اسلام است. جان افراد - چه زن و چه مرد - محترم است و هیچ‌کس حق ندارد با دلایل واهی متعرض آن شود. زیرا از موارد حریم خصوصی به شمار می‌رود و افراد از تعذر به آن، متحمل آزار و اذیت می‌شوند (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۹۲).

۲-۲-۳. مستندات حریم خصوصی مرتبط با روح و روان در نهج‌البلاغه

مهم‌ترین حوزه‌ی بررسی حریم خصوصی افراد، حوزه‌ی مرتبط با حیثیت انسان‌هاست. همان‌گونه که پیشتر به آن اشاره شد، اهمیتی که افراد برای حریم خصوصی قائل هستند، ناظر به حفظ کرامت و شان و شخصیت افراد است و این مهم، در حیطه‌ی آبروی افراد نمود بیشتری دارد. رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم در رابطه با اهمیت والای حرمت آبرو و حیثیت مؤمن می‌فرمایند: «إِنَّ حُرْمَةَ عِرْضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ وَ مَالِهِ»؛ (حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال او است) (تویسرکانی، ۲۲۶/۵). ایشان همچنین در بزرگداشت حرمت آبرو و در راستای ارتقای امنیت اخلاقی جامعه می‌فرمایند: «لَا تَخْرُقُنَّ عَلَىٰ أَحَدٍ سِتِرًا»؛ تو (برحدزr باش) آبرو و حرمت احدي را هرگز متعرض مشو) (فضاعی، ۳۵۰). مستندات حریم خصوصی مرتبط با روان در نهج‌البلاغه، تحت دو عنوان کلی «هتك حیثیت و آبرو» و «آزددن دیگران (ایذاء مؤمن)» مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۲-۲-۳-۱. هتك حیثیت و آبرو

اغلب موارد نقض حریم شخصی افراد، ناظر به هتك عرض و آبروی آن‌هاست؛ بدین شکل که با ارتکاب اعمال و رفتاری ناشایست، به حریم آبرویی اغیار تعدی نموده و آنان را در نزد مردم، سرافکنده و شرمسار می‌سازند. این در حالی است که در آیات قرآن، به صورت مکرر، به لزوم رعایت حرمت و حیثیت مؤمن، تاکید شده است. نهج‌البلاغه نیز از این امر، مستثنی نیست:

۲-۲-۳-۱-۱. ممنوعیت تهمت

تهمت به معنای نسبت دادن کار ناشایست به دیگران است و در زمرة‌ی گناهان کبیره قرار دارد. با این کار، حیثیت و آبروی فرد مقابل ریخته شده و در اذهان مردم بدنام می‌گردد. در خطبه‌ی ۲۱۰، حضرت به معرفی منافق به مردم می‌بردازند. از مهم‌ترین

ویژگی‌های منافقین، دروغ بستن به عمد به رسول خدا ﷺ است. بدی دروغ بستن به حدی واضح است که حضرت روایتی از زمان پیامبر ﷺ را مطرح می‌کنند که آنقدر بر ایشان دروغ بستند، که حضرت ضمن ادای خطبه‌ای، به مردم ابلاغ کردند که هرکس به عمد بر من دروغ بندد، جایگاهش آتش خواهد بود (سیدرضی، خطبه‌ی ۲۱۰).

در خطبه‌ی ۷۵ نهج البلاغه، امام ʻAli در برابر تهمت‌هایی که بنی‌امیه درباره‌ی شریک بودن ایشان و نزدیکانشان در خون عثمان بر حضرت وارد می‌کردند، پاسخ‌های درخوری ارائه نمودند. این رویکرد امیرالمؤمنین نشان می‌دهد که تهمت و نسبت دروغ، حیثیت افراد را پایمال نموده و حریم خصوصی مرتبط با روان و آبروی آن‌ها مورد هتساکی قرار می‌گیرد. بنابراین خود را ملزم به ارائه‌ی جوابیه نسبت به تهمت‌های موجود می‌دانند: «آیا شناختی که بنی‌امیه از روحیات من دارند، آنان را از عیب‌جویی بر من باز نمی‌دارد و آیا سوابق مبارزات من، نادان را بر سر جای خود نمی‌نشاند که به من تهمت نزند؟» و اکنون نشان دادن حضرت نسبت به تهمت‌های وارد به ایشان، بیانگر مذموم بودن این رذیله‌ی اخلاقی است و افراد موظف هستند خود را از این عمل باز دارند و متعرض حریم خصوصی دیگران نگردند.

۲-۱-۳-۲-۲. ممنوعیت غیبت

«غیبت» به معنای افسای عیوب و گناهان آشکار و پنهانی افراد، آثار زیانبار و بسیار منفی، از نظر اخلاقی و اجتماعی دارد؛ چرا که سرمایه‌ی اصلی هرکس در اجتماع، آبروی اوست و غیبت، آبروها را بر باد می‌دهد و افراد جامعه را نسبت به یکدیگر بدین می‌سازد و پایه‌های اعتماد را که خمیرمایه‌ی همکاری و تعاون اجتماعی است، سُست می‌کند؛ به همین دلیل در اسلام به عنوان یکی از زشت‌ترین و بزرگ‌ترین گناهان محسوب شده است. (مکارم و همکاران: ۵/۵۶۲).

موضوع خطبه‌ی ۱۴۰، عیب‌جویی است که در قالب غیبت نمود می‌یابد: «إِنَّمَا يَبْغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ... وَلَيَكُنِ الشُّكُرُ شَاغِلًا لَهُ عَلَى مُعَافَاتِهِ مِمَّا ابْتَلَى بِهِ غَيْرُهُ». امام در این خطابه با

مضامین والای اخلاق اسلامی، مردم را از غیبت و عیب‌جویی یکدیگر نهی نموده و دلایل این نهی را به نیکی متذکر می‌شود؛ نخست این‌که آن‌ها که از عیب مبری هستند و از سلامت دین برخوردارند، باید به سبب شکرگزاری این نعمت، از غیبت و عیب‌جویی دیگران پرهیز نمایند. دوم این‌که عیب جویان بایستی به خوبی در احوالات خود بیندیشند؛ چرا که عیوبی به مانند آن‌جهه در دیگران هست یا حتی بزرگ‌تر از آن را در خود می‌یابند. حال که خود نیز گرفتار گناهان و عیوب هستند، نباید دیگران را به همان دلیل ملامت کنند. سوم این‌که حتی اگر افراد، مرتکب گناهان کبیره نشده باشند، همین که خود را مجاز به غیبت و عیب‌جویی دیگران بدانند، مرتکب بزرگ‌ترین گناه شده‌اند. چهارم این‌که ممکن است خداوند گناه فرد غیبت‌شونده را بخشیده باشد، ولی فرد عیب‌جو را کیفر نماید. با این تفاسیر هیچ فردی در هیچ سطحی از ایمان و تقوا، مجاز به عیب‌جویی و غیبت از دیگران نیست. بدون شک هیچ فردی رضایت ندارد که در تیررس این دو رذیله‌ی اخلاقی قرار بگیرد؛ چه آن‌که سخن در همه احوال اثر خود را می‌بخشد؛ اگرچه حق و مطابق با واقع نباشد؛ زیرا آبروی انسان را مخدوش و او را از نظر کسانی که به درستی وی را نمی‌شناسند، آلوده و چرکین خواهد ساخت (بحرانی، ۳۳۲/۳)؛ در این صورت حریم شخصی او مورد تجاوز قرار گرفته و دیگران از عیوب پنهانی او مطلع می‌شوند.

در خطبه‌ی ۱۴۱ نیز امیرالمؤمنین سخنان زیبایی درباره‌ی منوعیت استماع غیبت، ایراد فرمودند. ایشان همان‌گونه که در ذکر خطبه‌ی پیشین بدان اشاره گردید، غیبت را به هر شکل ممکن مذموم می‌دانند. به هر حال هدف هر دو خطبه‌ی فوق، حفظ آبروی مسلمین و کمک به خوش‌بینی و اعتماد مردم به یکدیگر و پرهیز از آثار سوء غیبت و عیب‌جویی است (همان، ۵۷۰/۵). ملاحظه می‌شود که امام از طرق مختلف، راه را بر غیبت‌کنندگان و عیب‌جویان می‌بندند تا جامعه اسلامی را از این گناه بزرگ پاک سازند (مکارم و همکاران، ۵/۵۵۵).

۲-۲-۱-۳. ممنوعیت سوءظن

حضرت امیر در خطبهٔ ۱۴۱ نهج البلاغه، به دنبال نهی از استماع غیبت و نپذیرفتن سخنان باطل و ناروا در خصوص افراد با ایمان که سابقه‌ی مثبتی در دین داری دارند، به مسئله‌ی عدم سوءظن و توجه ننمودن به شایعاتی که در میان مردم مطرح می‌شود، اشاره می‌کنند. ایشان مردم را این‌چنین پند می‌دهند که مدامی که عیب فردی را با چشم خود ندیده و بدان یقین نکرده‌اید، بمجرد شنیدن از دیگران باور نکنند.

اگر مردم جهان همین جمله‌ی امام در این خطبه که «میان حق و باطل چهار انگشت بیشتر فاصله نیست» را به خاطر بسپارند، و همیشه و در همه جا به آن عمل کنند، به یقین خوشبینی و حسن ظن جای بدینی و سوءظن، و اعتماد جای بی‌اعتمادی، و محبت جای نفرت و کینه‌توزی را خواهد گرفت و شایعات بی‌اساس از رونق افتاده و شایعه‌پردازان به اهداف شوم خود نخواهند رسید و روح سلامت و خوشبینی بر جامعه حاکم می‌شود (مکارم و همکاران: ۵۷۳/۵).

۲-۲-۱-۴. پرده دری

حضرت علی علیه السلام در خطبهٔ ۱۹۴، در اشاره به رذائل اخلاقی منافقین، آن‌ها را افرادی می‌دانند که اگر کسی را سرزنش کنند، پرده‌دری نموده و عیب‌های وی را آشکار و از این طریق او را شرمنده و سرافکنده می‌سازند و بسا این‌که عیب‌های او را در حضور کسی به او می‌گویند که مورد پستند وی نیست و این‌ها از آن ناصحان خیراندیش نیستند که در هنگام عتاب و بازخواست، پرده از گناه انسان بر ندارند و به کنایه‌ای لطیف و سربسته اکتفا کنند (بحراني، ۷۷۹/۳). در حالی که اسلام دستور می‌دهد این کار با ظرافت و دقت انجام شود؛ نه آبروی مسلمانی بريزد و نه در دل ناراحت شود و غمگین گردد (مکارم و همکاران، ۶۱۱/۷).

۲-۳-۲-۲. آزادن دیگران (ایذاء مومن)

حریم خصوصی دارای مفهومی موسع است و هریار ابعاد جدید و خاصی از آن ظاهر می‌شود. همان‌گونه که در تبیین مفهوم حریم خصوصی اشاره گردید، حریم خصوصی وقایع آزاردهنده - آزار روحی - را نیز در بر می‌گیرد. گاهی پیش می‌آید که نقض حریم خصوصی افراد، با هتك حیثیت و آبروی آنان همراه نیست؛ بلکه صرفاً آزار و اذیت‌های روحی برای افراد به بار می‌آورد. بدیهی است که روان افراد، یکی از اساسی‌ترین ابعاد وجودی و چه بسا مهم‌ترین بعد وجودی اوست و هیچ فردی تمایل به بازگذاشتن دست دیگران در تجاوز به حریم روانی‌اش را ندارد. هرگونه اتفاقی که افراد را آزرده‌خاطر و ناراحت نماید، ناقض حریم خصوصی آنان به شمار می‌رود؛ مواردی از جمله تجسس و عیوب‌جویی، پیمان‌شکنی، خدمه و نیرنگ، خیانت، پرده‌دری، سبّ و دشنام، سرزنش، خشونت، ارعاب و تهدید، طعنه، افسای سرّ و بی‌حیایی زیرمجموعه‌ی این دسته قرار می‌گیرند.

۲-۳-۲-۳-۱. تجسس و عیوب‌جویی

تجسس و عیوب‌جویی از بارزترین مصادیق نقض حریم خصوصی افراد است که از نگاه تبیین حضرت دور نمانده و ترک این رذیله‌ی اخلاقی، بسیار مورد تأکید ایشان قرار گرفته است: (خوشابه حال کسی که پرداختن به حال خویش، او را از پرداختن به عیوب مردم باز می‌دارد) (خطبه‌ی ۱۷۶). بدین مفهوم که در بهترین افراد نیز معاویی وجود دارد و هرگاه به عیوب‌جویی دیگران پردازد، از خود و اصلاح خویش غافل می‌شود و هرگز از نظر تهذیب اخلاق و سیر الی الله به جایی نمی‌رسد (مکارم و همکاران، ۶۰۳/۶)؛ به عبارتی دیگر، حضرت علی علیه السلام با متوجه ساختن فرد به عیوب خودش، او را از سرک کشیدن به حریم شخصی دیگری و نقض آن برحدزr می‌دارند. حضرت به کرات و در مناسبات‌های گوناگون مردم را از تجسس در امور دیگران، در جهت پیدا کردن عیوب پنهان آن‌ها، به شدت برحدزr می‌دارند. ایشان در نامه‌ی ۵۳، خطاب به مالک اشتر نیز همین نصایح را بیان داشته

و به او یادآوری می‌نمایند که لازم است فرمانروای حاکم اسلامی، همواره پوشاننده‌ی عیوب مردم بوده و ضمن عدم تجسس در امور پنهانی آنان، خواستار آشکار شدن ایرادات پنهانی شان نباشد؛ زیرا داوری آن‌چه از انتظار عموم پنهان است بر عهده‌ی خداوند تبارک و تعالی است و هیچ‌کس حق تعارض به حریم شخصی دیگری را ندارد.

۲-۳-۲-۲. پیمان‌شکنی

یکی از مهم‌ترین اصولی که بر پایه‌ی آن روابط اجتماعی شکل گرفته و پایدار می‌مانند، مراعات عهد و پیمان است. این مقوله در تمام مکاتب و ادیان مورد تأکید ویژه بوده و ناقضان عهد و پیمان‌های فردی و اجتماعی، گناهکار و مجرم به شمار می‌آیند؛ چراکه در این صورت علاوه بر آن که یکی از پایه‌های نظام اجتماعی که همان اعتماد متقابل بین مردم است را زیر سؤال برد و خدشه دار نموده، از سوی دیگر موجبات ناراحتی و تکدر خاطر افراد را فراهم می‌سازد. بدیهی است که آزردن روان دیگران به هر طریقی، از جمله به وسیله‌ی نقض عهد، نوعی ستم‌کاری بوده و حریم روح و روان افراد را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

امام علیه السلام در نهج البلاغه، وفا را به «سپری» تشبیه می‌نمایند که چیزی محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن وجود ندارد (خطبه‌ی ۴۱). ایشان وفای به عهد را ملازم صدق و راستی می‌دانند. چراکه آن کس که پیمانی را می‌بندد و خود را ملزم به انجام کاری می‌داند و سپس آن را می‌شکند، در واقع دروغ گفته و از صداقت به دور است. در واقع پذیرش یک مسئله، انجام آن را اقتضا می‌کند. تشبیه وفا به سپر نیز این حقیقت را بازگو می‌کند که خطرات اجتماعی که معمولاً ناشی از بی‌نظمی‌ها و قانون شکنی‌ها است، به وسیله‌ی سپر وفا به عهد از میان می‌رود (مکارم و همکاران: ۲/۴۵۰).

۲-۳-۲-۳. خدمعه و نیرنگ

فریبکار برای رسیدن به مقصود نامشروع و چاره‌جویی در دستیابی به خواست خود،

به زرنگی و هوشیاری نیازمند است؛ چنان‌که شخص زیرک برای رسیدن به مقصد خبرخواهانه و جهات مصلحت به هوشیاری، زرنگی و درست‌اندیشی احتیاج دارد؛ بنابراین هم شخص فریبکار و هم فرد زیرک، به هوشیاری نیازمندند، اما فریبکار برای استنباط اندیشه‌ای که مبتنی بر حیله است تلاش می‌کند؛ هر چند با قوانین شریعت مخالف باشد و مصالح کلی را در رابطه با مصلحت جزئی پایمال کند (بحرانی، ۲۲۷/۲).

بهترین مثال برای این موضوع، تقابل امام علی علیه السلام و معاویه‌ی حیله‌گر و معاونش عمرو عاص است که در مسئله‌ی حکمیت، خدعاً به کار بستند و توانستند از مهلکه بگریزند. اما امام، علی‌رغم قدرتی که بر حیله کردن داشت، از این رذیلت اخلاقی گذشت تا نام نیکویش تا ابد جاودانه بماند. این همان چیزی است که امیر المؤمنین در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، ضمن اشاره به سیاست‌های دروغین معاویه به آن اشاره کرده، می‌فرماید: (سوگند به خدا، معاویه از من سیاست‌مدارتر نیست، اما معاویه حیله‌گر و جناحتکار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است) (سیدرضی، خطبه‌ی ۲۰۰).

مطابق مضماین سخنان حضرت در نهج البلاغه، نیرنگ ویژگی کسانی است که نسبت به روز قیامت باور و شناخت ندارند (سیدرضی، خطبه‌ی ۴۱). یعنی اگر کسی عمیقاً و قبل از معتقد به روز حساب باشد، محال است به حیله‌گری و غدر، حتی بیندیشد؛ چرا که پایان کار را می‌بیند. این که امام فریب را به نادانی درباره‌ی معاد و بازگشت به سوی خداوند نسبت داده‌اند، برای این است که حضرت می‌خواهد وفای به عهد را ستوده و افراد را بر وفاداری نسبت به پیمان‌ها ترغیب کنند (بحرانی؛ ۲۲۶/۲). حضرت در ادامه به این موضوع اشاره می‌کنند که متاسفانه در زمانی زندگی می‌کنیم که مردم حیله‌گری و مکر را مساوی با ذکاوت و هوشمندی و کیاست می‌دانند؛ حال آن‌که امر و نهی الهی مانع حیله‌گری هاست و آنکس که از گناه و مخالفت با پروردگار باری تعالیٰ باکی ندارد، دست به فریب می‌زند (خطبه‌ی ۴۱). و بدین‌گونه انجام حقه و خدعاً، با توجه به تغییر نگرش فرد نسبت به

موضوعی خاص و به اصطلاح، گول زدن او و نیز تاثیر منفی که در اذهان افراد دارد، به نوعی نقض حریم خصوصی اندیشه و روان آنان به شمار می‌رود.

۲-۳-۲-۴. خیانت

خیانت در لغت به معنای ممانعت از حق است (قرشی، ۳۱۴/۲). راغب اصفهانی خیانت و نفاق را یکی می‌داند. با این تفاوت که خیانت به وسیله پیمان شکنی پنهانی است (راغب اصفهانی، ۳۰۵). خیانت در کل به معنای اجتناب از پرداخت حقوقی است که انسان پرداختن و عمل به آن را متعهد شده است و آن ضد امانت است (شکیبا و اسماعیلپور، ۴۵)؛ لذا نقض حریم خصوصی به شمار می‌رود.

حضرت علی علیہ السلام در بخش پایانی خطبهٔ قاصده، به معرفی خود پرداخته و ویژگی‌های اخلاقی‌شان را مطرح می‌کند؛ از جمله آن‌که: «وَإِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ..... لَا يَعْلُونَ» (و همانا من از کسانی هستم که..... نه خیانت‌کارند) (سیدرضی، خطبهٔ ۱۹۲). با توجه به این‌که خیانت و فساد در این‌جا به صورت مطلق آمده، خیانت و فساد در عقاید و اخلاق و اموال و تمام شؤون زندگی را شامل می‌شود (مکارم و همکاران، ۵۲۵/۷) و تجاوز به حریم روانی انسان‌ها محسوب می‌شود.

۲-۳-۴-۵. سبّ و دشنام

سبّ به معنای به کار بردن الفاظ نامناسب و توهین آمیز و هتکانه نسبت به دیگران است و از لحاظ حقوقی نیز جرم محسوب شده و بار کیفری دارد. بر اساس توصیه‌های اخلاقی مهمی که در خطبهٔ ۲۰۶ آمده، مسلمانان وظیفه دارند از هرگونه توهین و فحاشی مؤمن مسلمان بپرهیزنند؛ حتی اگر بر حق باشند: «إِنَّ أَكْرَهَ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ». «سباب» به کسی گفته می‌شود که بسیار بدگویی می‌کند و حقیقت «سبّ» بدگویی کردن و دشنام دادن توأم با هتك طرف است (همان، ۱۰۰/۸). حضرت پس از استماع فحاشی برخی از

یارانشان به اصحاب معاویه در صفين، آن‌ها را از این عمل به شدت نهی نموده و در عوض، به تبیین مواضع دشمن و حالات و کردار آن‌ها تشویق می‌نمایند. نیز از اصحاب خود می‌خواهند که به جای سبّ دشمنان، در حق آن‌ها دعا کنند تا خونی بیهوده ریخته نشود و از گمراهی خارج شوند. ایشان حتی دشنام به دشمن یاغی را هم مجاز نمی‌دانند و بدین‌سان، نحوه احترام به حریم خصوصی دیگران را پیش چشم همگان نمایان می‌کنند.

۶-۳-۲-۴. سرزنش

سرزنش (در این‌جا سرزنش منفی مدنظر است) به معنای ملامت دیگری، با یادآوری و اشاره به اعمال خطایی است که انجام داده و این عمل از جانب دیگران، تأثیرات منفی بر روان و افکار افراد ملامت شده می‌گذارد و شخصیت و کرامت افراد را زیر سؤال می‌برد. نامه‌ی ابتدایی نهج‌البلاغه، حامل مفهومی مبتنی بر نهی سرزنش دیگران است. امام علی علیه السلام در این نامه با هدف افشاء نیات ناپاک سران جمل، اتفاقات پیش از کشته شدن عثمان که به قتل او و سپس بیعت با حضرت منجر شد را بازگو نموده و تصریح می‌کنند که کمتر از دیگران خلیفه را سرزنش می‌کرده‌اند. بدان معنی که سرزنش سایرین را -گرچه در خور سرزنش باشند- مذموم می‌شمارند. بدان سبب که با سرزنش و عتاب دیگری، حریم خصوصی افکار و روان او مورد حمله قرار گرفته و بدان تعدی می‌شود.

۷-۳-۲-۴. خشونت

خشونت از نظر لغوی، به غصب، درشتی، تندی کردن و ضد لینت و نرمی تعریف شده است. از برخی خشونت، عملی خلاف هنجارها و طبع می‌باشد. گروهی دیگر خشونت را هر نوع رفتار خشنی می‌دانند که از روی قصد و به منظور آسیب‌رسانی به فرد دیگر صورت می‌پذیرد. به هر حال خشونت عاملی آسیب‌رسان است که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و می‌تواند جنبه‌ی فیزیکی یا روانی داشته باشد (جهانی جنافرد، ۸۹۸). در خطبه‌ی ۲۲۰، به دنبال ارائه‌ی ویژگی‌های اخلاقی از سالک‌الله، او فردی

معرفی می‌شود که خشونت اخلاقش به نرمی گراییده است. یعنی فردی که پوینده‌ی راه الهی باشد، نفس خود را از این رذیله می‌رهاند؛ چراکه خشونت، روان افراد را شدیداً درگیر نموده و آن‌ها را آزار می‌دهد.

۸-۲-۳-۲-۲. ارعاب و تهدید

تهدید یعنی وعده عقوبت دادن به دیگران و در اصطلاح حقوق به معنای ایجاد بیم بر جان، مال یا آبروی دیگری می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۸۳). امام اول شیعیان در دستورالعملی اخلاقی، روح و جان ماموران جمع‌آوری زکات را با توصیه‌هایی اخلاقی و اجتماعی، جلا می‌دهند. مرحوم شریف رضی درباره‌ی نامه‌ی ۲۵ نهج البلاغه می‌گوید: (ما بخشی از این وصیت را در اینجا آوردیم تا معلوم شود امام همواره ارکان حق را به پا می‌داشت و فرمان به عدل صادر می‌کرد؛ چه در کارهای کوچک و چه بزرگ، ارزشمند یا بی‌ارزش). در بخش ابتدایی این مکتبه، حضرت به کارگزاران جمع‌آوری مالیات دستور می‌دهند مانند فرمانروایان ستمکار، در دل مسلمانان رعب ایجاد نکنند (بحرانی، ۷۱۲/۴). هم‌چنین در اثنای این نامه، توصیه به عدم تهدید مؤدیان مالیاتی نیز، از بیانات حضرت است. بدون شک، بر مبنای تعریفی که از حریم خصوصی ارائه گردیده، ارعاب و ایجاد وحشت در وجود مردم و تهدید آنان، روحشان را پریشان خواهد نمود و تعدی به قلمرو روانی آن‌ها به شمار می‌آید.

۹-۲-۳-۲-۲. طعنه

می‌توان از طعنه، به عنوان یکی از بدترین ویژگی‌های اخلاقی افراد نام برد که ناراحتی و دل‌مشغولی و سلب آرامش، برخی از تبعات منفی این رذیله هستند که بر جان طعنه شنونده اثر می‌گذارند. افراد طعنه‌زن، توجهی بی‌اندازه به عیوب دیگران داشته و با حالتی ملامت‌گرانه به همراه نیش و کنایه و شماتت، این نواقص را مدام به او یادآوری می‌نمایند.

خطبی ۱۱۹ هنگامی ابراد گردید که امام از فشل بودن برخی از یاران خود، در مقابله با حملاتی از لشکر معاویه، ابراز ناراحتی نمودند. جهادگریزان در مقابل تشویق امام به جهاد، خطاب به ایشان این چنین عرضه داشتند که اگر حرکت کنی، ما نیز حرکت خواهیم کرد! و در واقع وظایف متعدد حضرت برای مدیریت جامعه اسلامی را نادیده گرفتند. بدین ترتیب امام، ضمن ابراد خطبه، برخی خصائص رذیله‌ی آن‌ها را که منجر به بروز چنین ضعفی در دین و دنیای آنان شده نام بردند. از جمله آن که آنان را بسیار طعنه‌زن خواندند. پر واضح است که روح و روان حضرت از رفتار طعنه‌زننده‌ی آنان مجروح شده و بدین‌سان ابراز ناراحتی و دلخوری می‌نمایند.

۱۰-۲-۳-۲-۲. افشای اسرار

«افشای سر»، آگاه کردن شخص یا اشخاص ثالث از راز کسی، به هر وسیله، کتبی یا شفاهی و مانند آن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸۴). حتی گفته می‌شود که آن دسته از اطلاعاتی که از نظر جامعه، راز محسوب نمی‌شوند، ولی به هر دلیلی برای اشخاص مهم است که مکتوم بمانند نیز راز حساب می‌شوند (داستانی، ۱۱۷-۱۲۰).

این مسئله در نهج‌البلاغه از دو جهت قابل بررسی است: نخست آن که هر فردی مسئول نگهداری از اسرار خویش است؛ به گونه‌ای که اختیار رازها همواره به دست او خواهد بود (حکمت ۱۶۲) و چنین فردی، اندیشمند و عاقل است (حکمت ۴۸)؛ گاهی افشای سر سبب سوء استفاده دشمن می‌گردد و کاری که ممکن است به سادگی انجام گیرد بسیار پیچیده و پرهزینه می‌شود (مکارم و همکاران، ۱۳/۳۲۶)؛ دوم آن که افراد غیر، بایستی مراعات حریم شخصی دیگران را مدنظر داشته باشند؛ آن‌چنان‌که امام علی علیه السلام در مکتوبه‌ی ۵۳ ضرورت حفظ اسرار مردم را به مالک گوشزد می‌نمایند. بسیار می‌شود اسراری نزد انسان است که اگر بازگو کند آبروی افراد آبرومندی که زمانی گرفتار لغزشی شده‌اند می‌ریزد و یا سبب شماتت دشمن نسبت به خود انسان می‌شود، زیرا مصیبتی به انسان

رسیده که اگر آن را مکتوم دارد یک مصیبت است و اگر آشکار کند مصیبت شمات دشمنان به آن افروده می‌شود (همان/۳۲۷). بر اساس آنچه گفته شد، افسای اسرار موجبات ناراحتی شدید افراد را فراهم می‌سازد.

۱۱-۴-۳-۲-۲. بی‌حیایی

بر اساس سخنی از امام در حکمت ۲۱۴ نهج‌البلاغه، می‌توان ایجاد امنیت روانی در فرد و جامعه، یعنی نظم‌بخشی و تنظیم اعمال و رفتار و کردار و هنجارهای انسان در هر دو بُعد فردی و اجتماعی را از مهم‌ترین آثار حیا دانست (قاسمی شهری، ۱۳۰). وفاحت و بی‌حیایی موثرترین عامل در به هم‌ریختگی و هرج و مرج اخلاقی در جامعه است (همان، ۱۲۱). و تأثیرات منفی پایدار در اذهان دیگران به جا می‌گذارد و این، همان حریم روانی است که در این مقال از آن سخن به میان آمده و مورد نکوهش شدید امیر بیان قرار گرفته است.

یکی از توصیفات متین در خطبه‌ی «همام»، اشاره‌ی حضرت به مقام عفت و پاکدامنی آن‌هاست. همان عفتی که انسان را وادار به چشم یوشی از هوا و هوس و گناه می‌کند و به تعبیر دیگر هوایپرستی و گناه در نظر آن‌ها بی‌رنگ می‌شود؛ به‌گونه‌ای که از مشاهده‌ی صحنه‌های رشت و آلوده متنفر می‌شوند (مکارم و همکاران، ۵۴۵/۷). حضرت در جای دیگر، به دنبال ذکر خصال نیکوی سلمان فارسی، وی را فردی می‌داند با دامن پاک و عفیف از دنیا کوچ نمود (خطبه‌ی ۲۲۸). نیز در حکمت ۴۷، پاکدامنی هر فردی را به اندازه غیرت او می‌دانند. از نظر ایشان، پاداش عفیف پاکدامنی که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد، کمتر از مجاهد شهید در راه خدا نیست (حکمت ۴۷۴).

در بخشی از خطبه‌ی ۸۴، امام ضمن تقبیح اعمال و رفتار خبیثانه‌ی عمروعاص، بزرگ‌ترین نیرنگ او را کشف عورتش، برای فرار از دست حضرت می‌داند و بدین‌شكل، دست به روی یکی از نقاط ضعف بزرگ عمروعاص که همانا بی‌حیایی اوست گذارد و او را مورد عتاب قرار می‌دهند.

نتایج مقاله

۱. حمایت از حق حریم خصوصی افراد از مهم ترین مسائل موجود در کلام امام علی علیه السلام در کتاب نهج‌البلاغه است. ایشان در شرایط و موقعیت‌های گوناگون به پشتیبانی و حمایت از این حق همت گماشته و مشوق دیگران در این راه بودند.
۲. توجه بی‌بدیل ایشان به مسئله‌ی حریم خصوصی در زمینه‌ی اموال، تحت دو موضوع «تعلق اموال به صاحبان آن» و «تبیح و عدم جواز مال نامشروع» ارزیابی گردید.
۳. در حوزه‌ی مرتبط با جسم نیز اشاره مطلق به حرمت خون، عدم کشتار مجروه‌ان جنگی، انتقام خون، حرمت خون بی‌گناه و اعلام برائت از خون عثمان، اهم مستندات در این زمینه بودند.
۴. نقض حریم شخصی افراد در حوزه‌ی مرتبط با حیثیت افراد، نمود بیشتری دارد و در نهج‌البلاغه نیز بیشتر بدان پرداخته شده است. عناوینی چون تهمت، غیبت، شایعه‌پراکنی و توجه به شایعات، ذیل «هتك حیثیت و آبرو»، و وفای به عهد، خدشه و نیرنگ، خیانت، عیب‌جویی، سب، سرزنش، ارعاب و تهدید، خشونت، طعنه، رازداری، بی‌حیایی ذیل «آزدن دیگران» بررسی گردیدند.
۵. آن‌چه واضح و مبرهن است، اهتمام بی‌نظیر ایشان به این چنین مفاهیم متعالی است که سابقه‌ی پرداختن به آن در دنیای مدرن، خیلی طولانی نیست. امید آن می‌رود با کاربردی کردن منویات ایشان در نهج‌البلاغه، گام بلندی در جهت حفاظت از حریم خصوصی در جهان برداشته شود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، تهران، جلد ۱، ۱۳۷۷.
۳. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۷.
۴. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه ابن میثم. ترجمه‌ی قربانی محمدی مقدم، انتشارات مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ۱۴۱۷ قمری.
۵. توپیسراکانی، محمدنبی بن احمد، لتالی الأخبار، انتشارات العلامه، قم، ۱۴۱۳ قمری.
۶. ثروتی، لیلا؛ مومنی ازندربانی، امیرحسین، چالش‌ها و مسائل قانونی پیرامون حریم خصوصی در تجارت سیار، کنفرانس دولت همراه، مشهد مقدس، ۱۳۸۸.
۷. جعفری لنگرودی، جعفر، ترمیثولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۶.
۸. جهانی جناقده، میلاد، خشونت خانگی علیه زنان در ایران، فصلنامه‌ی بین‌المللی قانونیار، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی پانزدهم، ۱۳۹۹.
۹. حرانی، حسن ابن شعبه، تحف‌العقول عن آل الرسول، موسسه فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۹۳.
۱۰. حلی، نجم‌الدین، الرسائل التسع، کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۳ قمری.
۱۱. داستانی، وجیهه، بررسی مسئولیت ناشی افتخار راز بیماران، نشریه‌ی پایش، سال شانزدهم، صص ۱۱۰-۱۱۷، ۱۳۹۵.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ قمری.
۱۳. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه به تصحیح صحیح صالح، دارالاسو، ۱۴۱۵ هـ-ق.
۱۴. همو، نهج البلاغه به ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات رسالت، ۱۳۸۸ هـ-ش.
۱۵. شکیبا، محمدرضاء؛ اسماعیل‌پور، حیدر، بررسی مفهوم خیانت اینترنتی و تاثیرات آن بر نهاد خانواده، معرفت، سال سی و دوم، شماره‌ی پنجم، پیاپی ۱۴۰۲، ۳۰۸.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک‌الاَفْهَام، تحقیق موسسه معارف اسلامیه، قم، ۱۴۱۳ قمری.
۱۷. عروسی‌الحویزی، عبدالعلی، تفسیر نورالنقولین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ قمری.
۱۸. قاسمی شهری، سیدعلی، علل و آثار کاهش حیا و افزایش بی‌حیایی و راهکارهای برآور رفت از این وضعیت، دانشنامه‌ی علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره‌ی ششم، ۱۳۹۵.
۱۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
۲۰. قضاعی، محمد بن سلامه، شهاب الاخبار، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۲.
۲۱. طاهری، محمدعلی؛ انصاری، مسعود، دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات محراب فکر، تهران، ۱۳۸۳.
۲۲. کارل، هوسمن، حمایت از حریم خصوصی افراد در برابر حق آگاهی، ترجمه‌ی داود حیدری، فصلنامه‌ی رسانه، سال هفتم، شماره ۳، ۱۳۷۰.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ قمری.
۲۴. مسعودی، محمدساحق، حریم خصوصی و نظرات اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ۱۳۹۶.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام امام المؤمنین، انتشارات امام علی ابن ابیطالب علیهم السلام، قم، ۱۳۹۰.
26. Prosser, Dean William. "Privacy". California Law Review, Berkeley, No 48, 1960.
27. Solove, Daniel J, Understanding privacy. Harvard College Publications, Cambridge, MA, 2010.
28. Warren Samuel and Brandeis, Louis D, "The Right to Privacy". Harvard Law Review, No 193, Cambridge, Harvard Law School, 1890.